

مسئولیت . ۱۵۷, ۱۵۶, ۱۰۴, ۶۳, ۵۵, ۲۰۱, ۱۸۵, ۱۷۹, ۱۵۹, ۱۵۸	هوش..... ۶۲
مستحب..... ۱۳۸	هوی..... ۹۶
معاشرت, ۱۹۰, ۱۶۶, ۱۶۰, ۱۴۴, ۱۱۴, ۲۰۵	هیجان..... ۹۴, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۶
معنوی, ۵۹, ۴۸, ۳۷, ۳۱, ۳۰, ۲۹, ۲۶, ۱۲۵, ۱۱۴, ۸۹, ۸۴, ۶۹, ۶۸, ۶۵, ۱۵۸, ۱۵۷, ۱۵۶, ۱۴۸, ۱۳۷, ۱۹۸, ۱۶۲	واجب..... ۱۳۸, ۱۹۷
مواد مخدر..... ۱۸۶	والدین .... ۵۷, ۵۶, ۴۷, ۳۵, ۳۴, ۳۳, ۱۱۰, ۱۱۰, ۱۰۹, ۱۰۸, ۱۰۴,
میان‌روی..... ۱۰۸	۱۲۲, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۳۸, ۱۴۵, ۱۵۴, ۱۵۳, ۱۵۲, ۱۵۰, ۱۴۷,
میل, ۱۶۶, ۱۵۹, ۱۵۰, ۱۴۵, ۸۵, ۶۴, ۱۹۱	۱۷۴, ۱۷۳, ۱۶۶, ۱۶۵, ۱۵۶, ۱۹۸, ۱۹۴, ۱۸۱, ۱۷۹, ۱۷۵
ن	وجدان, ۷۸, ۷۷, ۷۶, ۷۴, ۷۳, ۷۲, ۷۱, ۸۹, ۸۸, ۸۷, ۸۶, ۸۵, ۸۱, ۸۰,
ناامیدی..... ۲۰۳, ۱۹۹, ۹۰, ۷۲	۱۶۲, ۱۰۳, ۹۵, ۹۴, ۹۳, ۹۲, ۹۱, ۲۰۰
نبوت..... ۱۲۱, ۸۴	وراثت..... ۴۳, ۴۰, ۳۵, ۳۳, ۲۳, ۳
نطفه..... ۱۹۳, ۴۳, ۳۷, ۳۵, ۳۳	وظیفه . ۱۰۴, ۱۰۳, ۸۷, ۸۵, ۷۴, ۷۲
نفس اماره..... ۸۵	۱۴۷, ۱۴۶, ۱۴۴, ۱۴۳, ۱۲۶,
نفس لوامه..... ۷۶, ۸۵	۱۶۵, ۱۶۳, ۱۵۶, ۱۵۲, ۱۴۸,
نماز, ۱۳۸, ۱۳۵, ۱۳۲, ۱۲۳, ۱۰۶, ۷۸, ۱۷۶, ۱۴۰, ۱۳۹	۱۹۶, ۱۶۹
و	وفای به عهد... ۱۷۳, ۱۶۲, ۱۰۴, ۱۰۳
همسر..... ۱۷۶, ۱۲۲, ۸۰, ۳۵, ۳۱	یأس..... ۲۰۸
هوای نفس..... ۱۷۱, ۸۶, ۲۴	

ف	کودک . ۳, ۲۳, ۲۴, ۲۹, ۳۴, ۳۵, ۳۷, ۳۸, ۴۲, ۱۱۴, ۱۲۲, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۶, ۱۵۹, ۱۶۷, ۱۷۶
فرزند ۳۳, ۳۵, ۳۷, ۳۹, ۴۰, ۴۲, ۴۳, ۴۹, ۶۰, ۶۳, ۷۹, ۹۹, ۱۰۷, ۱۰۸, ۱۰۹, ۱۱۳, ۱۱۶, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۳, ۱۲۶, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۶, ۱۴۶, ۱۴۸, ۱۵۲, ۱۵۶, ۱۵۸, ۱۶۷, ۱۶۹, ۱۷۳, ۱۸۱, ۱۹۲	کودکستان ..... ۷۰
فطرت ۳۰, ۷۱, ۷۲, ۷۴, ۷۶, ۷۷, ۷۸, ۷۹, ۹۲, ۹۳, ۹۸, ۱۰۳, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۵۲, ۱۷۴	ل
فطری ۳۰, ۴۵, ۴۸, ۷۱, ۷۲, ۷۳, ۷۷, ۷۹, ۹۲, ۱۰۳, ۱۱۱, ۱۱۴, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۵۲, ۱۵۹, ۱۶۶, ۱۶۷, ۱۸۰, ۱۹۰	لجاجت ..... ۱۱۶, ۱۹۱
ق	م
قانون .. ۲۵, ۴۰, ۹۵, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۲۸, ۱۶۲, ۱۶۸, ۱۶۹, ۱۷۲, ۱۷۴, ۱۷۶, ۱۷۷	مادر . ۳۳, ۳۷, ۳۸, ۴۲, ۴۹, ۵۶, ۵۷, ۶۴, ۶۵, ۶۷, ۶۸, ۷۷, ۷۹, ۹۹, ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۰۷, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۶, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۴۲, ۱۴۶, ۱۴۷, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۶۳, ۱۶۷, ۱۷۳, ۱۷۷, ۱۸۱, ۱۹۲, ۱۹۵, ۱۹۸, ۱۹۹
قضا و قدر ..... ۴۰, ۴۱, ۴۲	مباح ..... ۱۳۷
قوانین ... ۲۴, ۲۵, ۴۰, ۷۱, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۳, ۱۴۷, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۳, ۱۷۴, ۱۷۶	مجازات ... ۲۴, ۲۷, ۴۱, ۴۴, ۷۹, ۸۸, ۹۲, ۹۹, ۱۰۱, ۱۰۸, ۱۱۰, ۱۶۲, ۱۶۴, ۱۶۹
قوانین اجتماعی ..... ۲۵	مجرد ..... ۳۱
قوانین انسانی ..... ۲۵	محاسبه‌گری ..... ۱۲۶
قوانین بهداشتی ..... ۲۵	مداخله ..... ۱۱۶, ۲۰۰
قوانین تکوینی ..... ۲۴, ۲۵	مدرسه ..... ۴۵, ۵۷, ۱۵۴, ۱۶۰
ک	مربی . ۴۶, ۴۷, ۴۹, ۷۱, ۷۹, ۹۲, ۹۷, ۱۱۱, ۱۲۲, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۹
کم‌رویی ..... ۱۶۵, ۱۶۷	مربیان ..... ۷۷, ۹۵, ۱۹۳

ش	عاطفی .... ۵۵, ۶۴, ۱۲۶, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۴, ۱۳۵
شخصیت . ۲۵, ۳۵, ۳۷, ۳۹, ۶۴, ۶۷, ۹۶, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۹, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۳۰, ۱۳۹, ۱۵۷, ۱۶۶, ۱۶۸, ۱۸۰, ۱۸۳, ۱۸۶, ۱۸۷, ۱۹۷, ۱۹۸, ۱۹۹, ۲۰۰, ۲۰۴, ۲۰۸	عبادت ..... ۵۴, ۶۶, ۱۰۸, ۱۳۷
شرم ..... ۱۶۰, ۱۶۱, ۱۶۳, ۱۷۰	عذاب ..... ۴۴, ۹۰, ۹۵
شوهر ..... ۳۵, ۷۹	عزت نفس ..... ۶۷, ۱۷۳
ص	عشق . ۵۴, ۶۵, ۹۸, ۱۰۱, ۱۲۶, ۱۳۵, ۱۵۹
صفات ارثی ..... ۳۴, ۳۵	عقده .. ۶۶, ۸۱, ۸۹, ۱۱۷, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۴۱, ۱۴۳, ۱۴۵, ۱۴۶, ۱۴۹, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۶۰, ۱۶۸, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۸۳, ۱۸۴, ۱۸۶, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۲, ۱۹۵, ۲۰۵
ط	علم ۶۰, ۵۹, ۵۸, ۵۴, ۴۹, ۴۸, ۴۷, ۶۱, ۶۲, ۷۳, ۷۴, ۸۱, ۸۳, ۹۳, ۹۴, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۴۳, ۱۵۶, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۷۰, ۱۸۵, ۱۸۷, ۲۰۲, ۲۰۴, ۲۰۷
طغیان ..... ۱۰۱, ۱۰۹, ۱۸۱	علم آموزی ..... ۲۰۲
طفل ۱۰۳, ۹۷, ۷۹, ۷۸, ۶۷, ۶۳, ۳۷, ۱۰۷, ۱۰۹, ۱۱۰, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۶, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۶, ۱۳۹, ۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۹, ۱۶۷, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۶, ۱۸۱, ۱۸۳, ۱۹۰, ۱۹۱	عواطف . ۳۰, ۵۴, ۶۲, ۶۴, ۸۳, ۱۱۷, ۱۲۶, ۱۲۷, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۵۰
طفولیت ۱۵۸, ۱۵۴, ۱۳۵, ۱۳۴, ۱۲۱, ۱۸۹, ۱۹۹	غ
طمع ..... ۱۵۷, ۱۹۶	غرایز ۳۱, ۴۶, ۵۳, ۵۴, ۸۵, ۸۶, ۹۳, ۹۴, ۹۵, ۹۶, ۱۵۱, ۱۷۱, ۱۹۷
ع	غریزه ۳۰, ۳۱, ۵۱, ۵۲, ۵۳, ۵۴, ۶۵, ۹۴, ۹۸, ۱۱۱, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۷۷, ۱۸۰, ۱۹۷
عاطفه ..... ۵۴, ۵۵, ۱۲۶, ۱۲۷, ۱۲۸	غفلت ..... ۶۳, ۷۲, ۷۷, ۱۳۰

- ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۶۷،  
۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۰۱
- خشم ..... ۹۶  
خسونت، ۱۳۲، ۱۲۳، ۱۱۴، ۱۱۰، ۵۵  
۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۸، ۲۰۱  
خلقت ... ۱۳۴، ۹۳، ۷۴، ۷۱، ۴۸، ۴۵  
۱۴۳، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۰۷
- د
- دختر، ۱۷۵، ۱۷۴، ۱۷۲، ۱۲۵، ۳۳، ۳۵  
۱۷۶، ۱۸۱  
دروغگویی .... ۱۰۸، ۱۰۷، ۱۰۶، ۹۳  
۱۰۹، ۱۱۰  
دنیا، ۱۲۹، ۹۴، ۷۸، ۴۳، ۳۵، ۲۷  
۱۴۲، ۱۵۸  
دوست، ۱۳۲، ۱۲۷، ۱۰۰، ۸۷، ۲۵  
۱۸۶، ۲۰۱  
دوستی، ۱۵۵، ۱۵۰، ۱۳۲، ۱۳۱، ۱۲۷  
۱۹۱
- ز
- زنا ۱۶۹، ۱۰۶، ۶۰، ۴۴، ۳۲، ۲۶  
زیاده‌روی ..... ۱۵۱، ۱۴۹، ۱۴۱، ۱۱۶  
۱۵۶، ۱۶۷، ۱۹۴  
زیبایی ..... ۱۴۵، ۱۴۳، ۳۷، ۲۶
- س
- سرپیچی ..... ۱۷۶، ۱۰۳، ۹۴  
سرنوشت ..... ۴۹، ۴۳، ۴۲، ۴۰، ۳۵  
سلامت .... ۶۲، ۶۰، ۵۸، ۴۹، ۳۱، ۲۳  
۶۴، ۸۲، ۸۶، ۱۳۸، ۱۴۲، ۲۰۳
- ر
- راستگویی .. ۱۱۰، ۱۰۷، ۱۰۶، ۷۹، ۷۸  
رحم مادر ..... ۳۸، ۳۳  
رشد . ۷۱، ۶۳، ۶۱، ۵۷، ۵۴، ۳۷  
۱۰۱، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۶،  
۱۲۸، ۱۴۳، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶،  
۱۹۸، ۱۹۹  
رشید ..... ۱۳۶  
رفاقت ..... ۱۱۳  
رفتار ..... ۱۱۶، ۱۱۴، ۱۱۰، ۱۰۵، ۹۵  
۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۳۱، ۱۳۲،
- ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۰،  
۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۳، ۱۹۰،  
۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱  
رفیق ..... ۱۸۴، ۱۱۲  
رهبری ..... ۱۲۶، ۱۱۱، ۸۵، ۶۹  
روان . ۹۷، ۹۰، ۸۱، ۶۳، ۶۲، ۴۹، ۳۸  
۱۱۷، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴،  
۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱،  
۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۸، ۱۶۶، ۱۷۱،  
۱۷۳، ۱۹۶، ۲۰۴، ۲۰۶  
روانشناسی ..... ۲۰۷  
روانی، ۷۶، ۷۶، ۶۶، ۶۲، ۶۱، ۴۳، ۴۲  
۱۰۷، ۱۰۱، ۹۶، ۸۹، ۸۸، ۸۶، ۸۲  
۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵،  
۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۱،  
۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۶۰،  
۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۷،  
۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰،  
۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵

۱۲۲, ۱۳۱, ۱۴۱, ۱۵۰, ۱۵۱,  
۱۵۲, ۱۶۲, ۱۶۷, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۷۹  
ترس, ۱۰۰, ۹۹, ۹۷, ۸۹, ۴۹, ۴۲, ۳۴,  
۱۰۶, ۱۰۷, ۱۱۰, ۱۵۴, ۱۶۰,  
۱۶۳, ۱۶۴, ۱۸۵, ۱۹۶, ۱۹۸,  
۲۰۰, ۲۰۳

تشریح ..... ۱۳۸, ۱۷۴  
تعادل ..... ۱۰۰, ۲۰۴  
تعلیم ..... ۷۷, ۷۵, ۵۷, ۵۴, ۵۱, ۴۷, ۴۵,  
۱۱۹, ۱۳۰, ۱۳۸, ۱۵۶  
تغذیه ..... ۶۳, ۶۲, ۶۱, ۶۰, ۵۸, ۵۷, ۴۶,  
۱۵۱, ۱۷۴

تفریح ..... ۶۴  
تکبر ..... ۱۹۳, ۱۹۲, ۱۸۹, ۱۸۸, ۱۸۶,  
تکوین ..... ۳۷  
تمایلات .. ۴۳, ۳۱, ۳۰, ۲۹, ۲۵, ۲۴,  
۶۹, ۶۵, ۶۴, ۵۸, ۵۳, ۴۹, ۴۷,  
۹۴, ۹۲, ۸۷, ۸۶, ۸۵, ۷۹, ۷۱,  
۱۶۱, ۱۳۷, ۱۲۹, ۱۲۸, ۱۲۶, ۹۶,  
۱۷۸, ۱۷۷, ۱۷۳, ۱۷۱, ۱۶۶,  
۱۹۰, ۱۸۲, ۱۸۰

تنبلی ..... ۱۹۹, ۱۹۸, ۱۸۴, ۱۸۱, ۴۹,  
تواضع . ۱۹۹, ۱۹۶, ۱۹۵, ۱۸۹, ۱۸۸,  
۲۰۰

توبه ..... ۱۰۶, ۹۱, ۹۰, ۸۹, ۸۸, ۸۵,  
تویبخت ..... ۱۶۷, ۱۵۴, ۸۸,  
توحید ..... ۱۳۹

ث

ثواب ..... ۴۴, ۲۳

ج

چاپلوسی ..... ۱۹۸, ۱۹۵, ۱۸۶, ۱۰۱, ۶۹,  
۱۹۹, ۲۰۱  
چشم‌پوشی ..... ۱۷۱, ۱۶۳

ح

حافظه ..... ۶۲  
حرام ..... ۱۱۵, ۵۹, ۴۳, ۳۱, ۲۶,  
حرص ..... ۹۶  
حق, ۱۰۰, ۹۹, ۹۶, ۶۶, ۶۲, ۵۳, ۲۲,  
۱۴۹, ۱۴۸, ۱۴۴, ۱۰۵, ۱۰۳,  
۱۷۵, ۱۷۲, ۱۷۰, ۱۶۸, ۱۶۳,  
۲۰۲, ۲۰۱, ۱۸۹, ۱۸۴  
حقارت . ۱۲۰, ۱۱۹, ۱۱۷, ۱۰۷, ۶۶,  
۱۴۶, ۱۴۵, ۱۴۴, ۱۴۳, ۱۴۱,  
۱۵۵, ۱۵۴, ۱۴۹, ۱۴۸, ۱۴۷,  
۱۶۸, ۱۶۷, ۱۶۶, ۱۶۰, ۱۵۹,  
۱۸۱, ۱۸۰, ۱۷۹, ۱۷۸, ۱۶۹,  
۱۸۶, ۱۸۵, ۱۸۴, ۱۸۳, ۱۸۲,  
۱۹۵, ۱۹۲, ۱۸۹, ۱۸۸, ۱۸۷,  
۲۰۵, ۲۰۴, ۲۰۳, ۲۰۲, ۱۹۹, ۱۹۸,  
حقوق .. ۱۴۷, ۱۴۶, ۱۳۶, ۱۲۸, ۱۰۳,  
۱۹۵, ۱۷۱  
حیا, ۱۶۴, ۱۶۳, ۱۶۲, ۱۶۱, ۱۶۰,  
۱۸۵, ۱۷۰, ۱۶۶, ۱۶۵

خ

خانواده, ۶۹, ۶۸, ۶۷, ۶۵, ۶۴, ۵۶, ۳۳,  
۱۰۸, ۱۰۵, ۱۰۱, ۱۰۰, ۹۹, ۹۸,  
۱۱۴, ۱۱۳, ۱۱۱, ۱۱۰, ۱۰۹

آموزش..... ۴۶, ۶۲	آ	۱۵۰, ۱۵۱, ۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۴, ۱۵۵, ۱۶۳, ۱۶۷, ۱۶۹, ۱۷۷, ۱۸۱, ۱۸۲, ۱۹۲, ۱۹۵, ۱۹۸, ۱۹۹
امیال..... ۷۷	ا	پرورش ... ۴۷, ۴۸, ۵۱, ۵۴, ۵۵, ۵۶, ۶۲, ۶۴, ۶۵, ۶۸, ۶۹, ۷۱, ۷۴, ۹۲, ۹۸, ۱۰۱, ۱۰۴, ۱۰۶, ۱۰۷, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۶, ۱۱۸, ۱۲۱, ۱۲۵, ۱۲۸, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۴۱, ۱۴۴, ۱۴۹, ۱۵۶, ۱۵۹, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۷۳, ۱۷۴, ۱۹۰
اندازه‌گیری ۱۴۹, ۸۵, ۶۴, ۵۹, ۴۸, ۴۰		پسر..... ۷۹, ۱۷۴, ۱۷۵, ۱۷۶, ۱۸۱
اهانت..... ۱۴۴, ۱۴۶, ۱۸۹		
ایمان ۷۴, ۶۶, ۶۲, ۵۸, ۵۵, ۴۴, ۳۰		
۸۷, ۹۰, ۹۲, ۹۳, ۹۵, ۹۶, ۹۷, ۹۹, ۱۰۶, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۳۸, ۱۳۹, ۱۵۸, ۱۶۱, ۱۶۳, ۱۷۵, ۲۰۵, ۲۰۷, ۲۰۸		
	ب	ت
بازی ۱۴۲, ۱۱۸, ۱۱۵, ۱۱۴, ۶۵, ۶۴		تحقیق ۱۱۷, ۱۱۶, ۱۱۴, ۱۰۹, ۴۳, ۳۰, ۱۲۴, ۱۴۴, ۱۴۸, ۱۵۴, ۱۶۰, ۱۶۸, ۱۸۱, ۱۸۴, ۱۸۵, ۱۸۶, ۱۹۲
۱۵۲, ۱۵۳, ۱۵۹, ۱۸۴		تربیت . ۴۶, ۴۵, ۴۳, ۴۲, ۲۳, ۳, ۴۷, ۴۸, ۴۹, ۵۱, ۵۴, ۵۷, ۶۳, ۶۴, ۶۵, ۶۷, ۶۸, ۷۱, ۷۶, ۷۷, ۷۹, ۹۲, ۹۵, ۹۸, ۱۰۴, ۱۰۵, ۱۰۷, ۱۱۰, ۱۱۱, ۱۱۴, ۱۲۱, ۱۲۲, ۱۲۹, ۱۳۰, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۸, ۱۴۱, ۱۴۴, ۱۴۹, ۱۵۰, ۱۵۲, ۱۵۴, ۱۵۶, ۱۵۹, ۱۶۲, ۱۶۵, ۱۶۶, ۱۶۷, ۱۷۴, ۱۷۶, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۹۰, ۱۹۱, ۱۹۲, ۱۹۶
بیجه ۶۹, ۶۵, ۵۷, ۵۵, ۴۶, ۳۸, ۳۳		تربیت جنسی ..... ۱۷۶
۱۱۶, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۷۴, ۱۷۵		تربیتی ۶۴, ۵۷, ۵۶, ۴۹, ۴۷, ۴۳, ۴۲, ۶۵, ۷۱, ۷۷, ۸۱, ۹۵, ۱۱۱, ۱۱۳,
بداخلاقی ..... ۱۲۰		
بهشت..... ۸۷	پ	
	پاداش . ۱۳۶, ۱۰۵, ۹۲, ۶۶, ۴۴, ۴۱, ۱۶۷, ۱۹۵	
	پدر ۶۵, ۶۴, ۶۰, ۵۷, ۴۹, ۴۲, ۳۳, ۶۷, ۷۲, ۹۹, ۱۰۰, ۱۰۱, ۱۰۳, ۱۰۴, ۱۰۷, ۱۰۹, ۱۱۰, ۱۱۳, ۱۱۵, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۳۰, ۱۳۱, ۱۳۲, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۴۲, ۱۴۶,	

نمایه واژگان

ا	ا
اجتماع, ۵۴, ۶۶, ۸۹, ۱۲۸, ۱۳۰, ۱۴۴, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۸۳, ۱۸۵, ۱۸۸, ۱۹۱, ۱۹۸	اراده, ۴۰, ۴۱, ۵۲, ۵۳, ۷۳, ۸۱, ۱۱۳, ۱۱۵, ۱۲۱, ۱۵۵, ۱۵۹, ۱۸۷, ۲۰۴
احترام....., ۵۵, ۹۳, ۱۰۱, ۱۰۹, ۱۱۱, ۱۱۲, ۱۱۳, ۱۱۶, ۱۱۷, ۱۱۹, ۱۲۰, ۱۲۲, ۱۲۳, ۱۲۴, ۱۲۵, ۱۶۲, ۱۶۸, ۱۸۸, ۱۸۹, ۱۹۱, ۱۹۲, ۱۹۴, ۱۹۵, ۱۹۷, ۱۹۹, ۲۰۰	آ
احساسات ... ۵۱, ۵۴, ۵۵, ۶۵, ۱۲۶, ۱۲۷, ۱۳۰, ۱۳۵, ۱۹۸	آزادی, ۴۱, ۵۱, ۵۳, ۸۶, ۸۸, ۹۸, ۹۹, ۱۰۰, ۱۵۴, ۱۶۱, ۱۷۱, ۱۷۲
اختیار, ۴۰, ۴۱, ۴۴, ۵۲, ۵۳, ۷۳, ۷۹, ۸۸, ۹۳, ۱۴۷, ۱۹۲	ا
آ	استقلال, ۱۰۸, ۱۱۳, ۱۱۴, ۱۱۵, ۱۱۸, ۱۲۱, ۱۵۶, ۱۵۷, ۱۵۹, ۲۰۸
آخرت....., ۱۲۹, ۱۵۸, ۱۹۳	اعتماد به نفس, ۱۱۳, ۱۲۱, ۱۵۵, ۱۵۶, ۱۵۷, ۱۵۸, ۱۶۶, ۲۰۴
ا	اعمال, ۲۳, ۴۶, ۵۳, ۷۶, ۸۵, ۹۲, ۹۶, ۱۱۱, ۱۱۷, ۱۱۸, ۱۲۰, ۱۲۴, ۱۳۱, ۱۳۶, ۱۴۴, ۱۴۹, ۱۵۲, ۱۵۷, ۱۶۱, ۱۶۵, ۱۷۱, ۱۷۲, ۱۷۵, ۱۷۷, ۱۷۸, ۱۷۹, ۱۸۰, ۱۸۱, ۱۸۳, ۱۹۰, ۱۹۴
اخروی....., ۲۴, ۱۰۰, ۱۰۵	افراط....., ۲۹, ۱۵۲, ۱۹۵
اخلاق, ۳۸, ۳۹, ۴۹, ۵۴, ۶۲, ۶۷, ۷۱, ۱۳۱, ۱۳۴, ۱۳۵, ۱۳۶, ۱۳۷, ۱۵۳, ۱۵۶, ۱۶۱, ۱۶۲, ۱۶۵, ۱۷۲, ۱۷۷	آ
آ	آفرینش....., ۴۵, ۱۷۳
آداب....., ۴۸, ۱۱۴	ا
	امنیت....., ۲۵, ۹۹, ۱۲۸

گوناگون، ناکامی‌ها و تهمت‌ها و عوامل نگرانی قادر نیست استقلال و شخصیت خداپرستان آزاده را در هم بشکند و آنان را دستخوش خودباختگی و یأس نماید. ایمان به خدا در ضمیر پاک مردان الهی مانند سد محکمی است که در برابر طوفان‌های سهمگین زندگی مقاومت می‌کند و باعث پیروزی صاحبش می‌گردد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: آزادمرد در همه حالات آزاد است. اگر به مصیبتی دچار شود صبر می‌کند. اگر گرفتار هجوم بلا گردد شکست نمی‌خورد. آزادمرد اگر اسیر شود، ستم ببیند، آسایشش به سختی مبدل گردد، باز هم آزاد است. چنان که به روح آزاد یوسف صدیق آسیبی نرسید، با آن که به بردگی رفت، اسیر شد، ستم دید، همچنین تاریکی زندان، وحشت حبس، و مصائب دیگری که دامنگیر آن مرد الهی شد، ضرری به شخصیت روحی وی نزد، و سرانجام خداوند بر او منت گذاشت، به اوج اقتدارش رسانید و فرمانروای جبار مصر را که روزی مالک یوسف صدیق بود، به غلامی وی درآورد!<sup>۱</sup>

در مواردی که شکست‌های روحی، شدید نباشد برنامه روان‌شناسان ممکن است بیمار را امیدوار کند و نتایجی به بار آورد، ولی جایی که بیمار بر اثر ضربه‌های شدید روحی خویشتن را به کلی باخته و شخصیتش درهم کوبیده شده باشد، بعید به نظر می‌رسد که گفتار روان‌شناسان بتواند در او ایجاد امید و شخصیت کند و بیماری وی را درمان نماید، ولی در همین موارد اگر بیمار خودباخته به خدا ایمان داشته باشد منطقی مردان الهی در وی اثری عمیق می‌گذارد، و به او قدرت و حیات تازه‌ای می‌بخشد.



تو مهم خواهد شد، اگر اساساً آن را به هیچ بگیری، غیرواقعی بدانی و به آن ترتیب اثر ندهی، بی اثر خواهد بود. ۱

ب. استفاده از نیروی ایمان: برای افراد باایمان توجه به خداوند و استمداد از نیروی لایزال الهی بهترین وسیله آرامش روح و رفع نگرانی است. آن جایی که علم از علاج اضطراب عاجز می شود، ایمان به خدا آن را درمان می کند و روح خودباخته بیمار را آرام می سازد و همین نکته است که باعث برتری مکتب دین بر مکتب علمی روان شناسی است.

مثلاً جایی که بیمار با منطق علم قانع نشود و همچنان گرفتار نگرانی فال بد باشد، پیشوای روحانی اسلام برای درمان او از منطق ایمان استفاده می کند و به بیمار می گوید: متوجه باش که تو با اعتقاد به فال بد خویشتن را از صف موحدین خارج می کنی و خود را در ردیف مشرکین و بت پرستان قرار می دهی. ۲ یعنی اگر فال بد را که ساخته جهل بشر است، در نظام خلقت مؤثر بدانی و آن را منشأ خیر و شر بشناسی، در باطن خود برای خداوند بزرگ و قدرت نامحدود او شریکی ساخته ای! اگر از فال بد می ترسی و از حوادث مجهول و ناگواری که به خاطرت می گذرد هراس داری به پناه خدا برو و خود را به او بسپار. اوست که در هر حال حافظ واقعی است. اوست که می تواند هر بلایی را بگرداند و آدمی را در حمایت خود از هر خطری حفظ نماید.

آزادگان واقعی کسانی هستند که به پروردگار جهان ایمان دارند و به او متوکلند، اینان در پرتو ایمان به خدا، همواره روحشان نیرومند است. فرومایگی در حریم جانیشان راه ندارد، اهانت های پی در پی، شکست های

۱. روضه کافی، ص ۱۹۷.

۲. حیوة الحیوان، ج ۲، ص ۶۶.

نماید و تمام آنها را به ذهن بسپارد، یا بر صفحه کاغذی بنویسد و برای برطرف نمودن آن عیوب فعالیت نماید.<sup>۱</sup>

برای درمان تمام عقده‌های روحی و نگرانی‌ها این دو محاسبه لازم است:

اول آن که آدمی خود را بشناسد، حساب نفس خویش را برسد و علل نگرانی، یعنی ریشه مرض را بفهمد.

دوم آن که با واقع‌بینی و کمک عقل، راه علاج را جست و جو کند و خود را با حقیقت منطبق نماید.

مثلاً فال بد برای کسانی که به آن عقیده دارند یکی از عوامل مهم ایجاد نگرانی است و اهمیت آن به اعتبار اختلاف موارد و درجات شدت و ضعف نگرانی و همچنین طول مدت آن، تفاوت می‌کند. بعضی از نگرانی‌های ناشی از فال بد صاحبش را چند روز یا چند ماه آزار می‌دهد. دانشمندان روان‌شناس عقیده دارند که فال بد ساخته جهل بشر است و آن را یک خطر حقیقی نمی‌دانند. آنان می‌گویند فال بد یک نوع تلقین رنج آوری است که خاطر مردم ضعیف و جاهل را تیره می‌کند و شومی آن جز ناراحتی چیز دیگری نیست. پیشوایان مذهبی نیز واقعیتی برای فال بد نمی‌شناسند، ولی اگر کسی به آن معتقد باشد و این امر غیرواقعی را حقیقی تلقی نماید دچار اضطراب می‌شود. امام صادق علیه‌السلام به عمرو بن حریش فرمود: قوت و ضعف فال بد در روان تو به وضع روحی و عقیده قلبی تو بستگی دارد. اگر آن را سست و ناچیز بگیری اثر آن هم سست و ناچیز خواهد بود، اگر آن را یک امر مهم تلقی کنی اثرش نیز در

نیروی ایمان. به عبارت دیگر از یک طرف از تمام مبانی علمی و دقایق روانی برای مبارزه با نگرانی استفاده نموده و عقده‌های روحی را گشوده‌اند، و از طرف دیگر به قدرت بی‌نظیر ایمان تکیه کرده و دل‌های نگران را با اتکای به خداوند بزرگ مطمئن ساخته‌اند: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»<sup>۱</sup>

الف. تجزیه و تحلیل حالات روحی: اولین و مهم‌ترین وسیله درمان نگرانی‌ها و عقده‌های روحی محاسبه نفس و تجزیه و تحلیل حالات روحی بیمار و شناختن علل واقعی احساس حقارت است. تا زمانی که علت واقعی یک بیماری به دست نیاید و منشأ حقیقی آن معلوم نشود درمان اساسی بیمار میسر نیست.

روان‌شناسان می‌گویند کسی که گرفتار نگرانی روحی و اسیر عقده حقارت است برای نجات از این بیماری باید برای خود پرونده‌ای تشکیل دهد و خویشتن را در محکمه عقل محاکمه کند. باید خاطرات تاریکی را که باعث تشویش خاطر اوست روشن سازد و هر قسمتی را به صورت سؤال در صفحه‌ای نوشته و به هر سؤالی پاسخ داده و برای علاج هر یک از آن‌ها تصمیم عاقلانه‌ای بگیرد.

اولیای اسلام نیز به رسیدگی به حساب نفس، احصای نقایص و نوشتن آن‌ها توجه کرده‌اند و همچنین بررسی آرزوهای دل و شناختن اندیشه‌های خوب و بد را برای درمان بیماری‌های اخلاقی و روانی به پیروان خود دستور داده‌اند. امام علی علیه‌السلام فرمود: لازم است انسان عاقل به حساب خود رسیدگی دقیق کند و تمام عیوب خود را در امور دینی، در آراء، در خلقیات و ملکات، در طرز معاشرت، با شمارش صحیح احصا

۱. سوره رعد، آیه ۲۸.

خاطر ندارد. ۱. اندوه تعادل جسم را بر هم می‌زند و بدن آدمی را ویران می‌کند. ۲. کسانی که همه چیز و همه کس را به چشم تردید و بدگمانی نگاه می‌کنند همواره بیمارند. ۳.

نتیجه آن‌که عقده‌ها، ترس‌ها، ناراحتی‌های روحی و هیجان‌های درونی علاوه بر آن‌که باعث تشویش خاطرند، در بدن نیز آثار بدی دارند و مزاج را از صحت و اعتدال منحرف می‌کنند و منشأ بیماری‌های مختلفی می‌شوند.

درمان نگرانی‌های روحی: نگرانی‌های روحی و عقده‌های درونی که منشأ رنج‌های جسم و جان می‌باشند از نظر دینی و علمی درمان پذیر هستند و مبتلایان می‌توانند در پرتو اراده محکم و تصمیم قطعی خود را معالجه کنند و بر ناراحتی‌های خویش غلبه نمایند.

برنامه‌های درمانی دانشمندان امروز جهان برای گشودن عقده‌های روانی و نجات مردم از اضطراب، تنها متکی بر خودشناسی و تحلیل حالات روحی بیمار است. یک عالم روان شناس برای آرام کردن هیجان‌های درونی یک انسان نگران فقط می‌تواند به مبانی علمی تکیه کند. او با تجزیه و تحلیل عوامل و تلقین‌های مفید، با ایجاد اعتماد به نفس و احیای شخصیت بیمار و عواملی نظیر اینها قادر است نگرانی روحی را درمان نماید و بیمار را از احساس حقارت و ناراحتی طاقت فرسا برهاند. اما پیشوایان گرامی اسلام برای درمان بیماری‌های روحی و گشودن عقده‌های روانی مردم به دو نیرو تکیه کرده‌اند: یکی نیروی علم و دیگری

---

۱. غررالحکم، ص ۳۴.

۲. غررالحکم، ص ۲۳.

۳. غررالحکم، ص ۲۹.

### ۳۰. درمان نگرانی و حقارت

نقش ناراحتی‌های روحی در تیره‌روزی انسان: ناراحتی فکر در زندگی بشر یکی از بزرگ‌ترین عوامل بدبختی است. کسانی که بر اثر ترس، شکست، ناامیدی، ضعف، و نظایر اینها مضطربند و از احساس آن حالات روانی همواره رنج می‌برند اگر به فکر درمان نباشند و خود را از فشارهای سنگین و طاقت فرسای روحی خلاص نکنند، زندگی بر آنان غیرقابل تحمل خواهد بود و ممکن است سرانجام به عوارض گوناگونی دچار شوند.

نفس و بدن به قدری با هم مرتبط و متحدند که حالات هر یک در دیگری اثر می‌گذارد. کسی که دچار نگرانی است و احساس ناراحتی می‌کند خواه ناخواه این حالات روانی آثار نامطلوبی روی بدن او می‌گذارد و جسمش را از مسیر سلامت منحرف می‌کند. اولیای بزرگوار اسلام به این امر مهم بهداشتی توجه کامل داشته و خاطرنشان نموده‌اند که ترس، حسد، غصه، و هیجان‌های روحی باعث بیماری جسم و ویرانی زندگی است. امام علی علیه‌السلام می‌فرمود: آتش اندوه و غم بدن آدمی را می‌گدازد و مانند فلز مذابی آب می‌کند.<sup>۱</sup> و نیز فرموده است: اثر غصه انسان نیرومند را ناتوان می‌کند و در جوانی او را فرسوده و نیمه پیر می‌سازد.<sup>۲</sup> همچنین می‌فرمود: حسد جسم را فانی می‌کند و کینه توزی آدمی را افسرده می‌کند و سرانجام همه چیزش را بر باد می‌دهد.<sup>۳</sup> و همچنین فرموده است: آن کس که گرفتار وحشت است در زندگی آسایش

---

۱. غررالحکم، ص ۳۵.

۲. نهج البلاغه، فیض، ص ۱۱۴۳.

۳. غررالحکم، ص ۶.

۱. در برابر خدا: بزرگ‌ترین مراتب بندگی، باید فقط در مقابل خداوند بزرگی باشد که همه آفریده او هستند.
۲. در برابر عالم: اولیای اسلام در مورد خضوع و تملق جاهل در برابر دانشمند به منظور فراگرفتن علم و برای حفظ مصلحت بزرگ‌تر، تا اندازه‌ای فروتنی را روا دانسته‌اند. کسانی که درست تحصیل نکرده و به خوبی درس نخوانده‌اند و با مردمان عالم آمیزش دارند، به علت کم سوادی در خود احساس حقارت و کمبود می‌کنند. برخی افراد به علت خودپسندی حاضر نیستند به کم‌سوادی خود اعتراف نمایند. راه جبران این نارسایی درس خواندن است، چنین فردی باید در برابر استاد به ذلت شاگردی تن دهد و خضوع نماید و اگر لازم باشد تملق او را بگوید. اسلام با این فروتنی و تملق، موافق است، زیرا بر اثر آن علمی به دست می‌آید که مایه بزرگ‌ترین عزت است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: آن کس که ساعتی به ذلت علم‌آموزی تن ندهد در همه عمر گرفتار ذلت و خواری جهل خواهد بود.<sup>۱</sup>
- طلب کردن علم از آن است فرض که بی‌علم کس را به حق راه نیست  
کسی ننگ دارد از آموختن که از ننگ نادانی آگاه نیست
- امام علی علیه‌السلام فرموده است: تملق گفتن و حسد بردن از خلقیات مردان باایمان نیست مگر در راه فرا گرفتن علم و دانش.<sup>۲</sup>

---

۱. بحار، ج ۱۷، ص ۴۶

۲. تحف العقول، ص ۲۰۷

باشد باید از گناه اجتناب نماید و به تقوا بگراید.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام فرمود: آن کس که دوست دارد بدون ثروت غنی باشد و بدون سلطنت عزیز باشد و بدون خانواده تنها نباشد، البته باید از ذلت گناهکاری خارج گردد و به محیط عزت اطاعت الهی وارد شود.<sup>۲</sup>

۵. تصدی مسئولیت بدون شایستگی: گاهی اشخاص نالایق به مقامی می‌رسند که شایسته آن نیستند و مردم باهوش از اطاعت این قبیل زمامداران سر باز می‌زنند. اینان که از طرفی خویشتن را برای آن مقام کوچک می‌دانند و از طرف دیگر حب ریاست نمی‌گذارد از آن کار کناره‌گیری نمایند، برای پنهان نگاهداشتن ضعف خود و حفظ ریاست، به کارهای مختلفی دست می‌زنند.

گاهی اوقات با عموم مردم، به خصوص نسبت به زیردستان، مستبدانه رفتار می‌کنند و به وسیله خشونت و هتاک، بی‌لیاقتی خود را پنهان نگاه می‌دارند و با ترساندن، مردم را به اطاعت وادار می‌نمایند. گاهی از در چاپلوسی وارد می‌شوند، نسبت به مردم و زیردستان ادب می‌کنند و در برابر کسانی که مقام بالاتری دارند تملق می‌گویند و با این رفتار ذلت‌آمیز، نقایص خود را پنهان و مقام خویشتن را از تعرض دیگران مصون نگاه می‌دارند.

موارد وجوب و جواز تذلل در اسلام: حفظ عزت و اجتناب از ذلت یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمین است. هیچ مسلمانی حق ندارد موجبات خواری خود را فراهم نماید. اما فروتنی‌هایی که منافعی با شرافت نفس نیست، مجاز است؛ از جمله:

۱. بحار، ج ۱۷، ص ۴۸

۲. غرر الحکم، ص ۶۹۲

بدتر از این وقتی است که چنین انسانی بخواهد کرسی تدریسی را اشغال کند. برای این که شخصیت خود را در مقابل شاگردان حفظ کند، یا باید در کلاس متکبر باشد که هیچ یک از شاگردان از ترس جرأت نداشته باشند بگویند معلومات شما نارساست؛ یا باید آن قدر فروتنی و تواضع نماید و به شاگردان احترام کند که آنها نقص علمی او را نادیده بگیرند و به زبان نیاورند. چنین تواضعی را نمی توان از صفات حمیده به حساب آورد، بلکه این خود یک نوع خواری است و منشأ آن ترس نهانی است. امام صادق علیه السلام فرموده است: شایسته نیست مؤمن خویش را ذلیل و خوار نماید. راوی سؤال می کند: چگونه خود را ذلیل می کند؟ حضرت در جواب فرمود: در امری مداخله می نماید که شایسته آن نیست و سرانجام باید از آن عذر بخواهد.<sup>۱</sup>

۴. گناهکاری: کسی که مرتکب معصیت شده همواره در فشار شکنجه های وجدان اخلاقی است. حس شرمساری که بر اثر گناه دامنگیر گناهکار می شود به شخصیت وی ضربه می زند. پستی روانی بعضی از گناهکاران از فروتنی های ذلت آمیزشان مشهود است. اینان برای پوشانیدن معاصی خویش، نسبت به مردم تواضع می کنند و فرومایگی خود را به صورت احترام به دیگران آشکار می سازند. کارمندانی که از مردم رشوه می گیرند اغلب متواضع اند و خوش سلوک رفتار می کنند و کلماتی نظیر چاکرم، هر چه بفرمایید و... از آنها بسیار شنیده می شود.

به گناه آلوده شدن یکی از بزرگ ترین عوامل خواری است. کسانی که می خواهند با شرافت زندگی کنند باید از گناه اجتناب کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آن کس که می خواهد عزیزترین مردم



برای مصون ماندن از تعرض دیگران پیشدستی می‌کند و از ترس در مقابل هر کسی تواضع می‌نماید. چنین تواضعی حاکی از تعالی روانی و فضیلت اخلاقی متواضع نیست، بلکه یک نوع ذلت نفس است که ریشه در ترس و حقارت دارد.

۲. فقر: فقر پدر و مادر از عواملی است که باعث سرافکنندگی کودک می‌شود. کسانی که در طفولیت با شرایط سخت مالی رشد کرده‌اند، در باطن خود یک نوع ضعف احساس می‌نمایند که از ضمیر آنان محو نمی‌شود و تا پایان عمر باقی می‌ماند. بعضی که بر اثر لیاقت و در پرتو کوشش به شخصیت مستقلی رسیده‌اند، آن خاطره را نادیده می‌گیرند. ولی آنهایی که بر اثر تنبلی یا ناامیدی تن به فعالیت نداده‌اند یا نتوانسته‌اند آن خاطرات را فراموش کنند، همواره اسیر حقارت هستند. در مقابل سرمایه‌داران خود را حقیر می‌بینند و بی‌اختیار در برابر آن‌ها سر تعظیم فرود می‌آورند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمود: از رحمت الهی دور باد آن کسی که سرمایه‌داری را به علت ثروتش تکریم و احترام نماید.<sup>۱</sup>

۳. ضعف بضاعت علمی: کسی که می‌خواهد خود را در ردیف مردان عالم به حساب بیاورد ولی از نظر علمی ضعیف است، در خود احساس حقارت می‌کند. برای پنهان داشتن ضعف درونی و جبران نقص، گاهی به گفتار دانشمندان تکیه می‌کند، گاهی از راه چاپلوسی وارد می‌شود و در برابر دیگران آن قدر ادب می‌کند که آنان خجالت می‌کشند به چنین مرد مؤدبی بگویند سواد نداری.

فيا

شناسنامه

## کودک از نظر وراثت و تربیت

خلاصه کتاب سخن و سخنوری  
مرحوم استاد فلسفی (ره)

تنظیم و تلخیص:

دکتر حسین سوزنچی، پژوهشگر باقر العلوم (ع)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ